

همایش اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی و جهان متحول

در همایش اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی و جهان متحول که به مناسبت نکو داشت خدمات هفتادساله استاد علی‌نسب برگزار شده بود موضوعات متنوعی مانند؛ کارآفرینی، جهانی شدن، مهندسی ارزش و بهره‌وری مطرح شد. دکتر نمازی وزیر اقتصاد و دارایی در سخنرانی خود عوامل توجیه کننده افزایش نرخ ارز را تشویق صادرات، کاهش واردات و تأمین کسری بودجه ذکر نموده و همچنین افزود که ارزش پول ملی را نمی‌توان بصورت دستوری تعیین کرد و یا نرخ ارز را بطور مصنوعی بالا نگاه داشت. افزایش صادرات تنها به

نرخ ارز بستگی ندارد؛ بلکه مدیریت و بازاریابی و تقویت تولید از عوامل دیگری هستند که در توسعه صادرات مؤثر هستند، افزایش نرخ ارز با بالا بودن هزینه‌های تولید، قیمت تمام شده در بازارهای جهانی را افزایش می‌دهد. واردات ایران تابع نرخ ارز، نیست بلکه تابع درآمدهای نفتی است و به دلیل امکان استفاده از یوزانس در سالهای قبل، میزان واردات بیشتر بوده است. در مورد اثر افزایش نرخ ارز بر درآمدهای دولت می‌توان افزود که این افزایش در عین حال باعث افزایش هزینه‌های دولت نیز می‌شود. زیرا دولت بزرگترین

مصرف‌کننده ارز است. بنابراین افزایش نرخ ارز نمی‌تواند بر کاهش کسری بودجه اثر مثبت داشته باشد. وی با مقایسه بین میزان بدهیهای دولت و شرکتهای دولتی به شبکه بانکی، در فاصله سال ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۸ اظهار داشت؛ این رقم بیش از ۸ برابر شده است. بنابراین افزایش نرخ ارز نه تنها کسری بودجه را جبران نکرد بلکه موجب تشدید آن نیز شد. بنابراین ابزار نرخ ارز، کارایی لازم را در بلندمدت نداشته است و نرخ ارز کنونی بازار نیز واقعی نیست. افزایش نرخ بهره بانکی به بهانه جمع‌آوری پس‌اندازها و سرمایه‌گذاری برای تولید نیز از نظر علمی صحیح نمی‌باشد و عوامل متعددی مانند؛ انتظارات تورمی مردم در حجم سپرده‌های بانکی تأثیرگذار است و انگیره پس‌اندازکنندگان همیشه نرخ سود نیست. بسیاری از تحقیقات تجربی نشان داده است که رابطه معنی‌داری میان نرخ بهره و پس‌انداز وجود ندارد و نمی‌توان نتیجه گرفت که هرگاه نرخ سود بانکی بالا رفت، میزان پس‌انداز هم افزایش خواهد یافت. ملاحظه

می‌شود حتی با بالا رفتن نرخ بهره بانکی میزان سپرده‌های بانکی ثابت مانده است. بسیار عجیب می‌نماید که بتوان هم در شرایط رکود و هم در شرایط رونق، طرفدار افزایش نرخ ارز و سود بانکی بود. طبیعی است کسانی که درآمد‌هایشان با کاهش نرخ ارز یا کاهش بهره حسابهای بانکی، کاهش می‌یابد، آنان برای مقابله دست به هر کاری می‌زنند و حتی با نفوذ در مقامات تصمیم‌گیرنده سعی در بالا نگاه داشتن نرخ ارز دارند و به یقین اعتقادی به مکانیزم عرضه و تقاضا هم ندارند. البته باید ریشه‌های اجتماعی مقاومت در این زمینه نیز شناسایی شود.

کارآفرینی

آفات کارآفرینی در ایران موضوع یکی دیگر از سخنرانان بود که به اعتقاد او در یک اقتصاد متعادل دو نوع مدیر وجود دارد، نوع اول مدیران «خالق فرصت» یا «کارآفرین» و دوم مدیران «کاشف فرصت». متأسفانه در اقتصاد ایران به دلیل عدم وجود زمینه‌های لازم

برای کارآفرینی، تنها مدیران کاشف فرصت داشته‌ایم، که این مسائل امکان ایجاد فرصت و توسعه فن‌آوری در اقتصاد ایران را از بین می‌برد.

آفاتی که در اقتصاد ایران بر سر راه پرورش مدیران کارآفرین قرار دارد منشعب از دو عامل اصلی است؛ اول اینکه امکان خطرپذیری وجود ندارد و دوم محافظت از حقوق مالکیت در ایران از حدود متوسط نیز پایین‌تر است. زمانی یک مدیر می‌تواند خلق فرصت کند که خطرپذیر باشد و با داشتن اطلاعات، افق روشنی را ترسیم نماید. اما آمار و اطلاعات در ایران گران است و در مراکز تصمیم‌گیری از دادن اطلاعات امتناع می‌شود. آماري که با بهای گزاف بدست می‌آید به دلیل بی‌سامانی اقتصادی نمی‌توان به آن مطمئن بود.

ظاهراً زیر پا نهادن حقوق مالکیت، امروز به شکل سنت در آمده است. یکی از شرایط اصلی حفاظت از حقوق مالکیت مسئله رسیدگی با پنچ ویژگی: سریع، ارزان، بی‌طرف، قابل دسترس و قاطع بودن است که در هیچ گوشه‌ای از تاریخ

کشور چنین سازمانی با چنین وظایفی شکل نگرفته است. همین مسئله باعث افزایش شدید هزینه مبادلات در ایران می‌شود. بطور مثال، زمانی که به دلیل تغییر ناگهانی سیاستهای صادراتی دولتی، کالای یک تاجر از بین می‌رود هیچ جایی برای دفاع از حق مالکیت و جبران خسارت وی وجود ندارد. در ایران سیستم تولید تقریباً با تکنولوژی روز دنیا هماهنگ است ولی اداره ثبت و یا دادگستری که باید پشتوانه مالکیت این دستگاه تولیدی باشد، از نظر فن‌آوری هنوز با ساختارهای مربوط به ۴۰ سال پیش فعالیت می‌کند.

شومپتر اقتصاددانی است که در سال ۱۹۳۴، ضرورت نقش کارآفرینان خلاق را در توسعه اقتصادی مطرح می‌کند و معتقد است عوامل تولید به غیر از نیروی کار و سرمایه، به قدرت کارآفرینان خلاق نیز بستگی دارد. زیرا اینها مروج روشهای نو در تولید و بهبود کیفیت و همچنین ایجاد بازارهای جدید برای کالاهای جدید هستند. شومپتر این افراد را نابغه و تغییردهنده اقتصاد

کشور می‌داند.

ملی کنترل نخواهند داشت.

در زمینه جهان‌گرایی یکی از سخنرانان به این مسئله اشاره نمود که جهانی شدن اقتصاد هرچند موجب شکوفایی قشرهای بالای جامعه می‌شود اما بحران عمیق مالی در سطوح پایین جامعه را نیز پدید می‌آورد. ادعای نظریه‌پردازان اقتصاد جهانی این است که پیشرفت فن‌آوری، آزادی و سهولت تحرک نیروی کار و سرمایه، باعث حل مشکل بیکاری خواهد شد. اما باید توجه داشت که در مواردی هم، مخالف این نظریه ثابت شده است.

یکی از پیامدهای جنجالی جهانی شدن اقتصاد، تحرک سرمایه است، که اقتصاددانان کشورهای در حال توسعه عقیده دارند، این امر برای اقتصاد آنها میسر نبوده است زیرا این سرمایه‌ها در فعالیتهای دلالی و غیرمولد بکار گرفته شده است.

جهان متحول و پیشرفته نیاز به تخصص بالا دارد، بنابراین مهاجران بیکار و قشر وسیع کارگران غیرماهر کشورهای فقیر با بیکاری مواجه خواهند شد.

البته مقوله جهانی شدن اقتصاد خوب یا بد یک پدیده واقعی است و ابعاد قابل توجهی از آن اجرا شده و سایر ابعاد آن نیز در حال انجام است بنابراین سایر کشورها می‌بایست در مورد چگونگی آماده‌سازی خود برای مقابله با دشواریهای آن برنامه‌ریزی کنند.

بین جهانی شدن و دموکراسی که شعار اصلی جهان پیشرفته است تعارض اساسی وجود دارد. روند جهانی شدن به شیوه فعلی با دموکراسی ناسازگار است و در فرایند جهانی شدن بسیاری از ملتها بر سیاستهای اقتصاد

جمهوری اسلامی ایران نیز حداکثر تا سال ۲۰۱۰ میلادی باید وضعیت خود را در مقابل این موج عظیم روشن کند و از هم اکنون باید به نوعی از برنامه‌ریزی روشن روی آورد تا حداکثر در طول ۹ سال آینده از چنان ثبات اقتصادی برخوردار شود که توان مقابله با سیل خروشان جهانی شدن را داشته باشد.

ایران می‌تواند با کمک مبانی ارزشی غنی، منابع اقتصادی، نیروی عظیم انسانی، کاربرد علم و خلاقیت و یک الگوی رفتاری منسجم، خود را در برابر هجوم جهانی شدن آماده سازد.

مسائل جهانی را باید از سه جنبه تفکیک کرد تا به نگرش مناسبی از اقتصاد ملی، عدالت اجتماعی و جهان متحول دست یافت به این صورت که:

۱- گاهی مسائل جهانی از ابعادی مطرح می‌شود که هیچ دولتی قادر به حل آنها نیست.

۲- گاهی از روند جهانی بحث می‌شود که در آن با حاکمیت‌زدایی آگاهانه و اندیشمندانه روبرو هستیم از نیمه دوم قرن نوزدهم و اوج آن در قرن بیستم سازمان‌های بین‌المللی با خردورزی به این حجم‌بندی رسیدند که برای استقرار صلح، ثبات و آرامش به نفع دولتهای ملی است، که بخشهایی از حاکمیت خود را به نهادهای بین‌المللی تفویض کنند و در قلمرو اقتصاد به مدیریت اقتصاد ملی بازگردند....

۳- جهانی سازی: پدیده‌ای است

که تحول معنی‌داری در امور سازمانی و سیاست‌گذاریهای اقتصادی ایجاد کرد و در عرصه‌های معینی، بصورت مدیریت شده، ائتلاف‌هایی را نیز پدید آورد. اگر مضمون و مفهوم جهانی شدن، یک مسیر خود بخودی طی کرده‌بود، باید آزادسازی در همه بازارها صورت می‌گرفت ولی ما شاهد هستیم آن گشاده‌دستی که در بازارهای پولی و مالی اتفاق می‌افتد در بازار نیروی انسانی وجود ندارد. چرا نیروی کار کشورهای در حال توسعه در زمره نیروی کار کشورهای صنعتی قرار نمی‌گیرند تا دستمزدهای بالاتری دریافت شود؟

عملکرد شرکتهای چندملیتی نمایانگر علایق ملی در کشورهای توسعه‌یافته است بنابراین واقعیت این است که جهانی شدن خود بخود صورت نمی‌گیرد، بلکه روندی کاملاً برنامه‌ریزی شده و سازمان‌یافته است، همانطور که آمارها نیز نشان می‌دهد، شرکتهای فراملیتی بیشتر چندملیتی هستند تا فراملیتی....

هشدار این است که به اعتبار تحولات اخیر، نه تنها مسئولیت دولتهای ملی کاهش نیافته، بلکه عمق و پیچیدگی بیشتری نیز یافته است و این مسئولیت باید هوشمندانه تفکیک گردد.

محور بعدی بحث به مضمون و مؤلفه های نابرابری در سطوح جهانی مربوط می شود که در آن مؤلفه های سنتی مثل نحوه توزیع درآمد، میزان دسترسی به بهداشت، شکاف میان شهر و روستا، همچنان موضوعیت دارند. به گفته سخنان در دهه ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ مؤلفه های جدیدی بوجود آمد که در حال حاضر سهم ۵۰ درصدی از کل نابرابریها را در برمی گیرد:

- ۱- تحولات در عرصه های علمی و زندگی تحت عنوان شتاب تاریخ.
- ۲- الگوهای سازمانی و ادغام در شرکت های بزرگ.
- ۳- نقش تعیین کننده سیاست های اقتصادی توسط دولتهای ملی.

مطالعات تجربی انجام شده در دهه های فوق نشان می دهد که اجرای برنامه های زاینده فقر و تغییرات

ساختاری، تعداد فقرای جهان را به بیش از سه برابر افزایش داده است. مطالعات تجربی روی قیمت های متقاطع انتقالی در درون کشورها نشان می دهد که طی سال های ۱۹۸۴ تا ۱۹۹۳، شرکت های چندملیتی، حجم تجارت درونی خود را به میزان ۹۵ درصد افزایش داده اند و این امر دولت ها را با چالش های جدی مواجه خواهد کرد.

دولتها با پیچیدگی شدیدی با مشکل نابرابری مواجه می شوند. بنابراین بدون آنکه مسئولیت آنها متوقف شده باشد باید توانایی های خود را بالا ببرند.

تولید اندیشمند برای مواجهه با انقلاب مایکرو تکنولوژی... باید با حفظ هویت ملی صورت پذیرد. ادغام ها باید در چارچوب حفظ امنیت، آزادی و عدالت اجتماعی کشورها انجام شود و اتخاذ رویکرد مشارکت جویانه اجتناب ناپذیر خواهد بود. برندگان این بازی، جوامعی هستند که این تحولات را جذب کنند و بازندگان، کسانی هستند که با هر توجیهی، امنیت و حقوق اجتماعی انسانی

را رعایت نکنند و به این ترتیب اجرای سیاستها به نابرابری درآمدها منجر شود.

مهندسی ارزش

مهندسی ارزش موضوع دیگری سخنرانی بود. سخنران، مهندسی ارزش را شاخه‌ای از مهندسی بهره‌وری عنوان کرد که به دلیل کاربرد وسیع آن در کشورهای توسعه یافته، آن را از مهندسی بهره‌وری جدا کرده‌بودند. مهندسی ارزش برخوردی سیستماتیک، با پدیده در حال طراحی و ساخت دارد و به این موضوع می‌پردازد که آیا طرحی که در حال انجام است اگر با روشهای دیگری انجام شود هزینه‌های آن کمتر خواهد شد یا نه؟ هدف این است که هزینه یک طرح و زمان اجرای طرح تا حد ممکن کاهش یابد و در عین حال نتایج مثبت بدست آید. به عبارت دیگر، یک واحد سرمایه‌گذاری چه اندازه سودآوری را افزایش می‌دهد؟ بطور مثال هدف اصلی یک لیوان آب ابتدا نوشیدن آب آن است و سپس مسائل جانبی مانند؛

زیبایی، کیفیت و سبک بودن لیوان مطرح می‌شود.

مهندسی ارزش ابتدا در آمریکا شکل گرفت و در مورد طرحهای بزرگ با هزینه‌های هنگفت کاربرد داشت و وقتی که مشاهده شد حدود ۳۰ درصد کل هزینه کاسته می‌شود، از مهندسی ارزش استقبال شد.

بهره‌وری در واقع نسبت خروجی یا Output به ورودی Input است $(P = \frac{O}{I})$ هرچه خروجی افزایش و ورودی کاهش یابد میزان بهره‌وری بالا می‌رود.

در مهندسی ارزش یک طرح از نظر عملیاتی مورد بررسی قرار می‌گیرد، به این صورت که انواع جایگزینی‌های مختلفی که برای اجرای طرح وجود دارند کدام است و با چه هزینه‌ای می‌تواند اجرا شود. سپس بهترین گزینه با کمترین هزینه و کوتاهترین زمان انتخاب می‌شود.

اولین کار در مهندسی ارزش، گرفتن اطلاعات و بعد تحلیل بهینه پارامتر است؛ مبنی بر اینکه عملکرد اصلی و

عملکرد فرعی طرح چیست؟ آیا روشهای دیگری برای انجام این طرح وجود دارد؟ سپس نظریات اقتصادی مختلف راجع به طرح مطالعه می‌شود و بعد نظریه پردازی صورت می‌گیرد و بعد از بررسی شقوق مختلف طرح، یکی از آنها انتخاب می‌شود.

یکی از روشهای مهندسی، روش مهندسی همزمان است و تجربه ثابت کرده‌است در این روش گاهی حدود ۵۰ درصد زمان یک طرح کوتاه می‌شود....

۴- بهره‌وری

بهره‌وری موضوع دیگری بود که در همایش مطرح شد. بنا بر تعریف سخنران بهره‌وری عبارت از نسبت خروجی یا ارزش افزوده به نسبت ورودی یا منابع استفاده شده‌است و می‌توان آن را در مورد یک فرد، سازمان، جامعه و کشور اندازه‌گیری کرد.

سخنران به مسائل مختلفی در مورد بهره‌وری و نظرات اقتصاددانان اشاره نمود، از جمله اینکه علت پایین بودن بهره‌وری در طبقاتی بودن جامعه

است و در عین حال بهره‌وری می‌تواند در رابطه با امنیت ملی مطرح شود و همچنین عنوان شد؛ بهره‌وری که با توجه به تراکم سرمایه بوجود می‌آید موجب افزایش صادرات، بالا رفتن درآمد سرانه و رشد نیروی کار می‌شود و در آخر تولید ناخالص داخلی را بالا می‌برد. در سالهای اخیر در موضوع بهره‌وری، رابطه انسان و طبیعت مورد تأکید قرار گرفته‌است و جایگاه انسان به عنوان عامل بهره‌وری و استفاده‌کننده از نتایج بهره‌وری اهمیت ویژه‌ای یافته‌است.

شکوه‌سادات سیدعلی‌اکبر
کارشناس امور پژوهشی
پژوهشکده امور اقتصادی